

تحلیل جامعه‌شناختی گرایش‌های فکری طلاب حوزه علمیه در مورد جایگاه زن در جامعه

(مطالعه موردی: طلاب مرد سطح سه و چهار حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران بارده سنی ۳۰ تا ۵۰ سال)^۱

نرگس کاوند^۲

زهرا حضرتی صومعه^۳ (نویسنده مسئول مقاله)

باقر ساروخانی^۴

مظفرالدین شهبازی^۵

چکیده

در تمامی جوامع دینی، یکی از گروه‌هایی که می‌توانند بر موقعیت زنان در خانواده و جامعه بسیار اثرگذار باشند، صاحب‌نظران و طلاب علوم دینی هستند. کشور ما نیز از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست و کسانی که به تحصیل علوم اسلامی مشغول هستند، نماینده کلام الهی و سخن اسلام در جامعه محسوب می‌شوند و دیدگاه و نگرششان به جایگاه زن در خانواده و جامعه، در موقعیت زنان اثرگذار است. از آنجاکه حوزویان، صاحب کرسی سخن و محل رجوع مردم هستند، افکارشان خواسته یا ناخواسته در لایه‌های پنهان و آشکار اذهان مردم جامعه و سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌های خرد و کلان کشور تأثیرگذار است. این پژوهش که به روش گردن‌دنتوری، با نمونه‌گیری گلوله برفی و با مصاحبه نیمه‌باز انجام شده است، در پی یافتن پاسخ این سؤال است که نگرش طلاب ساکن تهران و قم در مورد جایگاه اجتماعی زنان چیست و رویکرد آنان به مقوله مهم جایگاه زن در جامعه در حوزه

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۲۲ و تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۷

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات / تهران / ایران

Na.kavand@gmail.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی / گروه جامعه‌شناسی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی / تهران / ایران (نویسنده

مسئول) hazrati14@yahoo.com

۴. استاد گروه جامعه‌شناسی / دانشگاه تهران / تهران / ایران

۵. استادیار گروه علوم اجتماعی / دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان / تهران / ایران



های اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی و سیاسی چگونه است. این پژوهش در پایان به این نتیجه رسید که نگرش طلاب مورد مطالعه در مورد جایگاه زن در جامعه را می‌توان به دو دسته نگرش سنتی و فراسنتی تقسیم کرد که در این میان طلاب ساکن تهران وارد مرحله گذار از سنت به فراسنت شده و نگرش فراسنتی در آنها رشد چشمگیری کرده است؛ ولی طلاب ساکن قم به مرحله گذار نرسیده‌اند و همچنان دارای نگرش سنتی هستند.

واژگان کلیدی: تحلیل جامعه‌شناختی، گرددتنوری، طلاب حوزه علمیه، زن، جامعه.



مقدمه

هر انسانی بر اساس فطرت الهی که خداوند در نهاد او گذاشته است، به دنبال حقیقت و شنیدن سخن حق است. ظلم و تبعیض را هیچ انسان دادخواهی نمی‌پسندد و از آن حمایت نمی‌کند. زنان جزو افرادی هستند که در جای‌جای تاریخ، چه در جوامع اسلامی و چه در جوامع دیگر، شاهد کج‌روی‌هایی در مورد آنان هستیم. همه ادیان آسمانی و بالاخص اسلام با شعار برابری و رفع تبعیض برای انسان‌ها نازل شده‌اند؛ اما تحریف‌ها، تدروی‌ها و کندروی‌ها و گاهی تعصبات جاهلانه یا مدرن مانع تحقق عدالت و رفع تبعیض در دنیا شده است. متأسفانه حتی گاهی در برخی کتب اسلامی یا در نوشته‌های اندیشمندان متأخر اسلامی، شاهد بی‌عدالتی‌هایی در حق زنان هستیم که با سخن پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله - من برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدم - همخوانی ندارد.

در کشورهای اسلامی با وجود سفارش‌ها و دستورهای دین اسلام درباره نگاه عدالت‌خواهانه و دوری از هرگونه تبعیض، در تفکرات حاکم بر جوامع اسلامی، نگاه به مسائل زنان با هم یکسان نبوده و گاهی بسیار متفاوت و محل نزاع بوده است؛ زیرا سلیق شخصی بر فرمایشات معصومین و دستورهای الهی پیشی گرفته و گاهی تعصب‌های جاهلی بر آنها مقدم شده است.

البته چنین مشکلاتی در جوامع اسلامی، در مورد بسیاری از مسائل به چشم می‌خورد و اعمال سلیقه‌های شخصی و مدیریت‌های ناکارآمد و نبود سیستم شایسته‌سالاری و گاهی وجود تعصب‌های خشک و غیرمنطقی، راه پیشرفت آنان را مسدود کرده؛ اما این مشکلات در مورد موضوعات و مسائل مربوط به زنان، دوچندان است.

در بسیاری از کشورهای اسلامی و به‌خصوص کشور خودمان که رویکردی مذهبی دارد، روحانیان و مراجع جزو گروه‌های مرجعی هستند که در فرهنگ‌سازی مردم و همچنین در سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان نقش مهمی دارند و نگرش و افکارشان تأثیرگذار است. در مورد اینکه آیا آنان در مورد جایگاه زن در اجتماع، اعم از جایگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری زنان، اختلاف نظر دارند و دارای سلیق مختلفی هستند یا نه، منبع موثقی وجود ندارد، اما برخی اختلافات و رفتارهای متفاوت، حاکی از این است که احتمالاً تفاوت‌هایی در نگرش و افکار آنان هست که بازخوردش در جامعه هویداست و گاهی باعث نارضایتی‌هایی شده است.

۱. بیان مسئله و ضرورت

موضوعات مربوط به زنان همواره یکی از مباحث مهم در طول تاریخ بوده و در دوران معاصر نیز به دلایل مختلف، گسترش و بسامد بیشتری در جهان یافته است. جوامع مختلف، هرکدام به‌نوعی با



مسائل حل نشده مربوط به زنان روبه‌رو هستند و صاحب‌نظران و اندیشمندان در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف، نظریاتی درباره موضوعات و مسائل مربوط به آنان مطرح می‌کنند که جایگاه و موقعیت زن را در جوامع تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این میان رویکردها و نگرش‌هایی به این مقوله وجود دارد که مسائل مربوط به زن را به‌طور کلی و به شکلی عمیق و جدی، تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند؛ دیدگاه‌هایی که تلاش می‌کنند زن را از ستم‌رهایی بخشند و به‌گونه‌ای منجی او باشند، غافل از اینکه با افراط‌ها و تفریط‌های خود در این مسئله، شخصیت و جایگاه او را به چالش کشیده و تا آستانه سقوط پیش برده‌اند؛ دیدگاه‌های نو که با داعیه دفاع از زنان، به میدان آمده‌اند و حقوق واقعی زن و جایگاه مادری، همسری و انسانی او را نادیده گرفته‌اند؛ برخی، حقوق برابر با مردان را خواستار شده (فمینیسم لیبرال)؛ شماری بر برتری زنان بر مردان تأکید کرده (فمینیسم رادیکال)؛ گروهی بر موضوع زنان کارگر متمرکز شده و مبارزه اصلی خود را مبارزه طبقاتی معرفی کرده‌اند (فمینیسم مارکسیست) و برخی دیگر معتقد بوده‌اند که برای تغییر وضعیت کنونی در جهت رسیدن به جامعه برابر باید به‌طور هم‌زمان، با نظام مردسالاری و سرمایه‌داری مبارزه کرد (فمینیسم سوسیالیست) (ر.ک آبوت، ۱۳۸۰: ۹۴-۱۰۰).

در این میان در برخی از کشورهای مسلمان اطراف، برخی عقاید کهنه و متحجرانه نیز وجود دارد که یا به اسم دین یا سنت و آیین، با منزوی کردن زن و محدودیت‌های بسیاری که برای او قائل بوده‌اند، وی را سرکوب کرده و مورد بی‌مهری قرار داده و انزوا و پرده‌نشینی را به او تحمیل کرده‌اند. پژوهشگر بر این باور است که با توجه به آیات و روایاتی که در اسلام درباره زن وجود دارد و با توجه به نگرش لطیف و عقلانی اسلام به زن، چنین برداشت می‌شود که اسلام واقعی با توجه به فطرت و ساختار زن، دیدگاهی متعادل و به دور از تندروی و کندروی مطرح کرده تا راهنما و راهگشایی برای انسان‌ها باشد.

در تمام جوامع دینی، یکی از گروه‌ها و قشرهایی که می‌توانند بر موقعیت زنان در خانواده و جامعه بسیار اثرگذار باشند، صاحب‌نظران و طلاب علوم دینی هستند. کشور ما نیز از چنین قاعده‌ای مستثنا نیست و دیدگاه و نگرش این طبقه به جایگاه زن در خانواده و جامعه، در موقعیت زنان اثرگذار است. با توجه به اینکه حوزویان، صاحب کرسی سخن و محل رجوع مردم هستند، افکارشان خواسته یا ناخواسته در لایه‌های پنهان و آشکار اذهان مردم جامعه تأثیر می‌گذارد. تأثیرات افکار و نگرش این گروه از جامعه بر افکار و نگرش مردم عادی و گاهی بر نخبگان، می‌تواند پدیدآورنده اصلاحات یا آسیب‌هایی باشد. لذا پژوهشگر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که نگرش طلاب حوزه علمیه ساکن تهران و قم درباره جایگاه زن در جامعه در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی - هنری، اجتماعی و سیاسی چیست.



۲. پرسش‌های تحقیق

- پرسش اصلی:
- نگرش طلاب حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران درباره جایگاه زن در جامعه چیست؟
- پرسش‌های فرعی:
- نگرش طلاب حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران درباره جایگاه زن در جامعه از منظر مشارکت اقتصادی چیست؟
- نگرش طلاب حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران درباره جایگاه زن در جامعه از منظر مشارکت سیاسی چیست؟
- نگرش طلاب حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران درباره جایگاه زن در جامعه از منظر مشارکت اجتماعی چیست؟
- نگرش طلاب حوزه‌های علمیه ساکن قم و تهران درباره جایگاه زن در جامعه از منظر فرهنگی - هنری چیست؟

۳. روش تحقیق

رویکرد به‌کاررفته در این مطالعه، رویکردی تفسیری است که با رویکرد هرمنوتیک و برساخت‌گرایی مورد نظر دنزین و لینکلن، شباهت مفهومی دارد. رهیافت تفسیری به دنبال کشف چرایی اعمال انسان‌ها از طریق بر ملا ساختن معرفت مبتنی بر معناهای ضمنی و نمادین، انگیزه‌ها و قواعدی است که به کنش‌ها جهت و معنا می‌دهد. روش این مطالعه از لحاظ اجرایی، تئوری زمینه‌ای است. یکی از روش‌های تحقیق کیفی، نظریه زمینه‌ای یا گراند تئوری^۱ و یا نظریه بنیادی است. این نظریه مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به‌صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۳۴).

در تحقیق کیفی، به افرادی که در تحقیق شرکت می‌کنند، فرد یا نمونه نمی‌گویند، بلکه به آنها «مشارکت‌کننده» یا «اطلاعرسان»^۲ می‌گویند. در تحقیق کیفی، معیار دقیقی برای تعیین حجم نمونه یا تعداد افراد مطلع و مشارکت‌کننده وجود ندارد؛ با وجود این، عواملی مانند هدف از نمونه‌گیری، نوع

1. grounded theory.
2. Informants.



نمونه‌گیری و روش مطالعه، در تعیین حجم نمونه مؤثرند (ایمانی جاجر می، ۱۳۸۴: ۲۶).

روش فوق، روش پژوهشی عام، استقرایی و تفسیری است. این نظریه با الگوهای پیشین روش‌های پژوهش مرتبط بوده و به صورت ناگهانی و بدون مقدمه به وجود نیامده است. نظریه زمینه‌ای برخاسته از داده‌ها، روش پژوهشی استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون، امکان می‌دهد تا به عوض اتکا به نظریه‌های موجود و از پیش تعیین‌شده، خود به تدوین نظریه‌ها و گزاره‌ها اقدام کند که به شکلی نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی تدوین می‌شوند (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷۰).

از آنجا که این پژوهش، کار جدیدی است که تا به حال درباره آن تحقیقی انجام نشده و ذهن پژوهشگر خالی از هرگونه فرضیه است؛ همچنین به دلیل اینکه در این تحقیق، نیاز است که به عمق افکار رجوع شود تا بتوان ریشه‌ها و بنیان‌های فکری را شناسایی کرد، بنابراین محقق، نظریه زمینه‌ای را برای کار خود انتخاب کرد تا به واسطه آن به نتایج بهتری دست پیدا کند. همچنین به دلیل اینکه محقق باید به عمق افکار افراد مورد مطالعه وارد شود و نگاهی بنیانی به مسئله مورد نظر داشته باشد، از مصاحبه عمیق استفاده کرده است؛ اما به دلیل اینکه شاخص‌ها و سؤالات مشخص است و محدوده مصاحبه‌مان تقریباً از قبل تعریف شده است، از مصاحبه نیمه‌باز استفاده شد؛ هرچند که در این‌گونه مصاحبه‌ها، سؤالات دیگری که در حین مصاحبه به ذهن محقق بیاید، از مصاحبه‌شونده پرسیده می‌شود و فضایی آزاد برای پاسخگویی به وجود می‌آورد.

دکتر ساروخانی در این مورد معتقد است:

«پرسشگر با توجه به شاخص‌های مد نظرش، در بیان پرسش‌ها، و پاسخگو در طرح آن، آزادی کامل دارد؛ یعنی پرسشگر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد، مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچ‌گونه محدودیتی احساس نمی‌نماید و پاسخگو در جواب دادن به سؤال‌ها آزادی کامل دارد. پرسشگر چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پرسش کلامی قرار دهد و سؤال‌های خود را با هر عبارت که کامل باشد، مطرح نماید و پاسخگو نیز می‌تواند جواب خود را به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد، بیان دارد» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

شروع کار در این روش با نظریه نیست و نظریه‌آزمایی در آن انجام نمی‌شود، بلکه محقق در آخر با توجه به مقولات انتخابی به دست آمده و تحلیل آنها، خود به تولید و ارائه مدل می‌پردازد. نمونه‌گیری در این نوع پژوهش‌ها معمولاً گلوله‌برفی، و به شکل هدفمند و نظری است. «فرایند نمونه‌گیری در این تحقیقات مبتنی بر تصمیماتی است که در عرصه عمل گرفته می‌شود و خصوصیت اساسی آن، حساس بودن به شرایط، اطلاعات جمع‌آوری شده و تفاسیر انجام شده است. محقق در جریان تحقیق و با



شناخت قبلی، به مشارکت‌کنندگان مراجعه کرده و از طریق آنها نمونه‌های دیگر را تا مرحله اشباع شناسایی می‌کند» (صلصامی و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۰) به حد اشباع رسیدن به این معناست که پژوهشگر بعد از چندین مصاحبه، با جواب‌های تازه و جدیدی مواجه نشود.

در تحقیق مورد نظر، محقق بعد از مصاحبه بیستم احساس کرد که جواب‌ها تکراری است و به اشباع نظری رسیده است و دیگر با جواب جدیدی روبه‌رو نمی‌شود؛ اما برای اطمینان از کار خود و نتایجی که قرار بود به دست بیاورد، کارش را تا ۲۷ مصاحبه ادامه داد.

در این روش، فرایند تحلیل داده‌ها طی سه مرحله انجام می‌شود:

۱) کدگذاری باز؛

۲) کدگذاری محوری؛

۳) کدگذاری انتخابی یا گزینشی (ایمان، ۱۳۸۹: ۹۴، به نقل از: اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸)

در این مطالعه، فرایند کار به این صورت انجام شد:

- پیاده‌سازی صوت‌های مصاحبه و تایپ آنها در محیط word؛
- بازخوانش هر مصاحبه و استخراج تمامی مفاهیم و عبارات کلیدی هر جمله یا هر پاراگراف؛
- انتقال مفاهیم و عبارات به یک جدول مجزا و شماره‌گذاری (کدگذاری) آنها. این مرحله کدگذاری باز نام دارد؛
- دسته‌بندی همه کدها به شکل موضوعی؛
- پیدا کردن کدهای مشترک و انتقال آنها به جدول دیگری تحت عنوان عبارتی که بار معنایی همه آنها را در بر داشته باشد. این عبارات، مقولات محوری نام دارند؛
- شناسایی مقولات محوری مشترک و استخراج عباراتی به عنوان مقولات انتخابی یا گزینشی که معنای همه آنها را در بر بگیرد؛
- جمع‌بندی و تلخیص مقولات انتخابی همه مصاحبه‌ها؛
- ارائه مدل نظریه زمینه‌ای.

۴. یافته‌ها

این پژوهش در پی یافتن پاسخ این سؤال است که نگرش طلاب سطح سه و چهار جامعه حوزوی ساکن شهرهای تهران و قم، درباره جایگاه زن در جامعه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی-هنری و سیاسی چیست.

برای رسیدن به پاسخ این پرسش، از روش نظریه زمینه‌ای با نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد.



پژوهشگر در ابتدا پنج نفر را به صورت تصادفی از شهرهای تهران و قم با مشخصات مورد نظر انتخاب کرد و بعد از انجام مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم و تکمیل پرسش‌ها و همچنین برطرف کردن نواقص کار، نمونه‌گیری را با استفاده از تکنیک گلوله‌برفی ادامه داد.

روش کار به این صورت بود که بعد از انجام مصاحبه‌ها، کدها از بین جملات و پاراگراف‌ها استخراج و شماره‌گذاری و سپس دسته‌بندی شد؛ سپس از مفاهیم مشترک، مقولات محوری؛ و بعد از آن، از مقولات محوری مشترک، مقولات انتخابی استخراج گردید؛ در آخر، مقولات انتخابی جمع بندی، و در یک جدول واحد آورده شد.

در این بخش، داده‌های استخراج شده از مصاحبه‌های انجام شده با افراد مورد مطالعه، در جهت دست یافتن به دیدگاه‌ها و گرایش‌های فکری آنها در مورد موضوع زنان و سؤالات و شبهات مطرح شده در مورد آنان و نقش آنها و جایگاهشان در جامعه، بررسی و تحلیل شد و در نهایت مدل نظریه زمینه‌ای ارائه گردید.

به دلیل تعداد زیاد جدول‌های تحلیلی مصاحبه‌ها، جدول نهایی که مقولات انتخابی تمامی مصاحبه‌ها در آن جمع بندی و تلخیص شده است، آورده می‌شود.

جدول ۲: جمع بندی مقولات انتخابی استخراج شده از کل مصاحبه‌ها

| شماره | مقولات انتخابی |
|-------|--|
| ۱ | بلامانع بودن حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های هنری، سیاسی، فرهنگی و ورزشی به شکل مشروط |
| ۲ | الزام به حجاب حداکثری |
| ۳ | اعتقاد به حضور و فعالیت‌های اجتماعی حداقلی زن |
| ۴ | ناهمسانی حقوقی زوجین در خانواده |
| ۵ | همسانی نسبی حقوقی زوجین در خانواده |
| ۶ | همسانی حقوقی زوجین در خانواده |
| ۷ | ناهمسانی جایگاه زوجین در خانواده |
| ۸ | همسانی نسبی جایگاه زوجین در خانواده |
| ۹ | داشتن نگاه جنسیتی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان |
| ۱۰ | داشتن نگاه جنسیتی نسبی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان |
| ۱۱ | داشتن نگاه فراجنسیتی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان |



| شماره | مقولات انتخابی |
|-------|---|
| ۱۲ | داشتن نگاه جنسیتی در اعطای تسهیلات به افراد |
| ۱۳ | داشتن نگاه غیرجنسیتی در اعطای تسهیلات به افراد |
| ۱۴ | داشتن نگاه جنسیتی در دادن فرصت‌های شغلی به افراد |
| ۱۵ | داشتن نگاه فراجنسیتی در دادن فرصت‌های شغلی به افراد |
| ۱۶ | داشتن نگاه جنسیتی در مورد نوع رشته تحصیلی زنان |
| ۱۷ | داشتن نگاه فراجنسیتی در مورد نوع رشته تحصیلی زنان |
| ۱۸ | اعتقاد به اشتغال مشروط |
| ۱۹ | مخالفت با اشتغال زنان (بحث اختلاط و اولویت‌بندی نقش‌ها) |
| ۲۰ | اعتقاد به تغییر ارزشگذاری‌های نقشی و جنسیتی و برخی مفاهیم |
| ۲۱ | اعتقاد به اینکه قطعا حجاب امری اجتماعی است نه فردی (ورود قانون و حکومت) |
| ۲۲ | تردید در مورد اینکه حجاب امری اجتماعی است یا فردی |
| ۲۳ | اعتقاد به حجاب اختیاری (البته نه در شرایط کنونی) |
| ۲۴ | موافق شرکت زنان در مسابقات ورزشی بین‌المللی البته به شکل مشروط |
| ۲۵ | مخالف شرکت زنان در مسابقات ورزشی بین‌المللی |
| ۲۶ | موافقت با حضور زنان در ورزشگاه‌ها البته به شکل مشروط |
| ۲۷ | مخالفت با حضور زنان در ورزشگاه‌ها |
| ۲۸ | موافقت با حقوق و دستمزد برابر |
| ۲۹ | مخالفت با حقوق و دستمزد برابر |
| ۳۰ | مخالفت با اختلاط |
| ۳۱ | موافقت با اختلاط در محل کار و تحصیل به شکل مشروط |

پس از کدگذاری همه جملات و پاراگراف‌ها و شماره‌گذاری آنها، و پس از دسته‌بندی موضوعی همه کدها، کدهای مشترک تحت عنوان مقولات محوری آورده و بعد از آن، از مقولات محوری مشترک، مقولات انتخابی (گزینشی) استخراج شد و در آخر، مقولات انتخابی همه مصاحبه‌ها جمع بندی گردید و در قالب ۳۱ عبارت تقلیل پیدا کرد و پس از آن، به دلیل ضد و نقیض بودن عبارات استخراج‌شده، عبارت به دو دسته تقسیم شد:



۱-۴. دسته‌بندی مقولات انتخابی (سنتی و فراسنتی)

پژوهشگر پس از تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج مقولات انتخابی نهایی، متوجه شد که مصاحبه‌شوندگان پاسخ‌های منسجم و هم‌راستا نداده‌اند و پاسخ‌های افراد به شکل زیگزناگی است و نمی‌توان رویکرد افراد مورد مطالعه را به روشنی مشخص کرد و به دسته‌بندی آنها پرداخت. بنابراین کل پاسخ‌ها را که ذیل مقولات انتخابی جمع‌بندی شده بودند، با توجه به تفاوت‌هایشان دسته‌بندی کرد و در دسته سنتی و فراسنتی قرار داد.

محقق تعریف خاصی برای «سنتی» و «فراسنتی» مطرح نکرده؛ زیرا بر این باور است که دو نگرش ضد و نقیضی که در محورهای انتخابی به چشم می‌خورد، ناخواسته گویای چنین دسته‌بندی است؛ البته سعی شده بهترین نام که بار معنایی درستی در این مورد داشته باشد، بر روی آنها گذاشته شود. شاید بتوان در یک تعریف اجمالی درباره پاسخ‌های سنتی و فراسنتی چنین گفت: پاسخ‌هایی که نرمش و انعطاف بیشتری دارند و محدودیت‌های جنسیتی در نگاه آنها کمتر دیده می‌شود و از طرفی راه را برای ورود زنان به عرصه‌های مختلف باز کرده‌اند - البته با شرط رعایت چارچوب‌ها و حفظ شأن زن و خانواده - در دسته فراسنتی قرار گرفته‌اند؛ پاسخ‌هایی هم که در آنها نرمش و انعطاف کمتری به چشم می‌خورد و محدودیت‌های جنسیتی برای زنان قائل شده‌اند و از طرفی از ترس رعایت نشدن چارچوب‌ها و آسیب وارد شدن به زن و خانواده، راه ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی را محدود می‌کنند، در گروه پاسخ‌های سنتی قرار گرفته‌اند.

گفتنی است که همه طلاب درباره رعایت حجاب، نظر واحدی داشتند که محقق این گزینه را در هر دو گرایش لحاظ کرده است.

جدول ۲: نگرش فراسنتی

| نگرش فراسنتی |
|--|
| معتقد به بلامانع بودن حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های هنری (تلویزیون، تئاتر و سینما) به شرط رعایت حجاب، حفظ حریم‌ها و عدم اختلاط خارج از چارچوب‌ها، حفظ شأن زن و حفظ خانواده. |
| معتقد به بلامانع بودن حضور و فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی، اعم از ورود و شرکت در انتخابات، شرکت در کمپین‌ها، جنبش‌ها و... در چارچوب مقررات کشور، به شرط رعایت چارچوب‌های شرعی و آسیب وارد نشدن به زن و خانواده. |



| نگرش فراسنجی |
|--|
| اعتقاد به بلامانع بودن شرکت زنان در مسابقات بین‌المللی ورزشی به شرط رعایت چارچوب‌های شرعی، حفظ شأن زن مسلمان و حفظ خانواده. |
| اعتقاد به بلامانع بودن حضور زنان در ورزشگاه‌ها به شرط مهیا بودن زیرساخت‌ها؛ بدین معنا که جایگاه تماشاچیان و ورودی و خروجی آنان به شکل مجزا در نظر گرفته شود؛ مردان هتاک جرمه و تنبیه شوند و فرهنگ حضور در ورزشگاه اصلاح شود. |
| اعتقاد به رعایت حجاب حداکثری؛ بدین معنا که همه بدن به جز وجه و کفین (بدون زینت) باید پوشیده باشد. |
| معتقد به همسانی نسبی حقوقی زوجین در خانواده؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان درباره احکام حضانت فرزندان بعد از طلاق، و احکام ارث، نرمش و انعطاف داشتند و در بعضی موارد معتقد به در نظر گرفتن استثنائاتی برای زنان بودند. |
| مصاحبه‌شوندگان ضمن احترام به استقلال اقتصادی زنان، معتقد بودند که تفاهم دوستانه بهترین کار در این مورد است. |
| اعتقاد به همسانی حقوقی زوجین در خانواده؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان در مورد اذن همسر برای خروج، حضانت فرزندان بعد از طلاق، و احکام ارث، قائل به در نظر گرفتن شرایط زنان و ملاحظه استثنائاتی بودند؛ |
| مثلاً معتقد به اذن همسر در همه امور نبودند، بلکه در برخی موارد که خوف آسیب به زن و خانواده وجود دارد، معتقد به اذن بودند و درباره ارث، قائل به در نظر گرفتن شرایط زنان سرپرست خانواده بودند یا در مورد حضانت فرزندان، معتقد بودند که شایستگی و صلاحیت مادران باید در رأی دادگاه، تأثیرگذار باشد. |
| اعتقاد به همسانی نسبی جایگاه زوجین در خانواده؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان قائل به وجود هرم قدرت در خانواده نبودند و معتقد بودند که مدیریت در منزل با توجه به موضوع و نوع کار، بین زن و مرد، متغیر است. |
| داشتن نگاه جنسیتی نسبی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان؛ بدین معنا که در برخی مناصب مانند قضاوت و ریاست جمهوری قائل به حضور زنان نبودند، اما برای ریاست وزارتخانه‌ها و دستیاران قاضی و حضور زنان در کمیسیون‌های مختلف مجلس، منعی برای ورود زنان نداشتند. |
| داشتن نگاه غیرجنسیتی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان برای |



| نگرش فراسننی |
|--|
| قضاوت زنان (موضوعات زنان، خانواده، مالی و غیرخشن)، حضور زنان در کمیسیون‌های مختلف مجلس، ریاست وزارتخانه‌ها و ریاست جمهوری منعی نداشتند؛ البته به شرط رعایت چارچوب‌ها و آسیب وارد نشدن به زن و خانواده. |
| داشتن نگاه غیرجنسیتی در اعطای تسهیلات به افراد؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان در اعطای تسهیلاتی مانند وام یا خدمات دیگر، تخصص، کار، تجربه و نیاز افراد را در نظر می‌گرفتند و نه جنسیت افراد را. |
| داشتن نگاه غیرجنسیتی در دادن فرصت‌های شغلی به افراد؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان ارتقای شغلی افراد را با توجه به شایستگی و تخصص آنها می‌دانستند و نه جنسیت افراد (عدم وجود سقف شیشه‌ای). |
| داشتن نگاه غیرجنسیتی در مورد نوع رشته تحصیلی زنان؛ بدین معنا که مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند زنان می‌توانند با توجه به استعداد و علاقه‌شان، رشته تحصیلی خود را انتخاب کنند؛ به شرط رعایت چارچوب‌های شرعی و آسیب وارد نشدن به زن و خانواده. |
| اعتقاد به اشتغال مشروط. مصاحبه‌شوندگان منعی برای اشتغال زنان نمی‌دانستند؛ به شرط رعایت چارچوب‌های شرعی و آسیب وارد نشدن به زن و خانواده. |
| وجود تردید در مورد اینکه حجاب امری اجتماعی است یا فردی. یک نفر از مشارکت‌کنندگان در مورد اجتماعی یا فردی بودن حجاب دچار تردید بود. |
| اعتقاد به حجاب اختیاری. یک نفر از مشارکت‌کنندگان، قائل به حجاب اختیاری بود. |
| موافقت با حقوق و دستمزد برابر. مصاحبه‌شوندگان موافق حقوق و دستمزد برابر بودند. |
| موافقت با اختلاط در محل کار و تحصیل به شکل مشروط؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان با توجه به شرایط جامعه امروز، با اختلاط زنان و مردان در محل کار و تحصیل مخالفتی نداشتند؛ البته به شرط رعایت چارچوب‌ها و حد و حدود شرعی و آسیب وارد نشدن به زن و خانواده. |

جدول ۳: نگرش سنتی

| نگرش سنتی |
|---|
| اعتقاد به حجاب حداکثری؛ بدین معنا که همه بدن به جز وجه و کفین (بدون زینت) باید پوشیده باشد. |



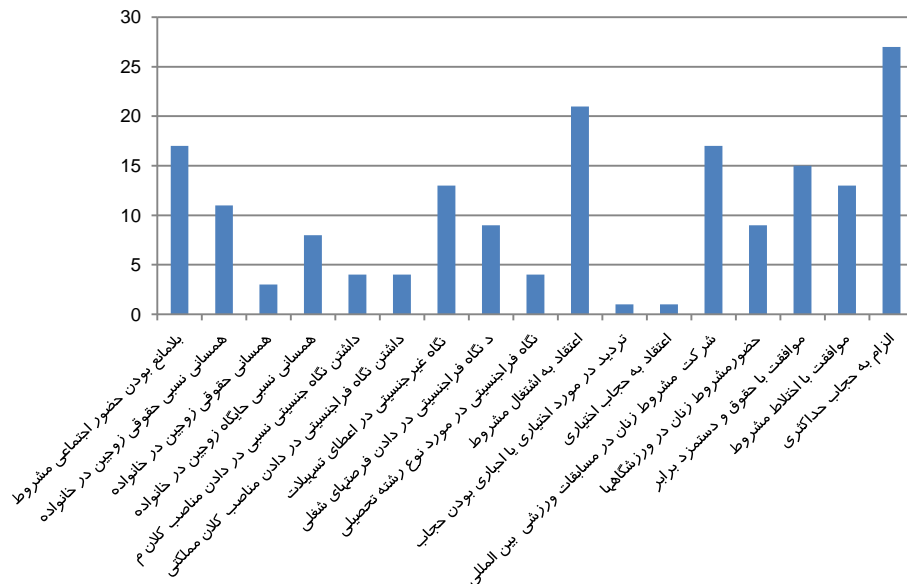
| نگرش سنتی |
|---|
| اعتقاد به حضور و فعالیت‌های اجتماعی حداقلی زن؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان معتقد بودند حضور گسترده زنان در جامعه هم آسیب‌زا و هم آسیب‌پذیر است و همچنین ممکن است به خانواده نیز آسیب وارد کند. بنابراین زنان باید چه از نظر مشارکت سیاسی، چه هنری و چه ورزشی، حضور حداقلی در جامعه داشته باشند. |
| معتقد به ناهمسانی حقوقی زوجین در خانواده؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان معتقد بودند در مورد قوانین مربوط به حضانت، ارث و اذن همسر، استثنایی وجود ندارد و باید تابع قوانین و شرع بود. |
| اعتقاد به ناهمسانی جایگاه زوجین در خانواده؛ بدین معنا که مردان به دلیل ویژگی‌ها و مسئولیت‌هایشان همواره در رأس هرم اقتدار و مدیریت در خانواده هستند. |
| داشتن نگاه جنسیتی در دادن مناصب کلان مملکتی به زنان. |
| داشتن نگاه جنسیتی در اعطای تسهیلات به افراد؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان معتقد بودند مردان به دلیل مسئولیت‌هایشان در خانواده و نفقه‌پرداز بودنشان، در دریافت تسهیلات، ارجح هستند (زنان سرپرست خانواده نیز مانند مردان می‌باشند). |
| داشتن نگاه جنسیتی در دادن فرصت‌های شغلی به افراد؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که به دلیل نقش نفقه‌پرداز بودن مردان و نقش همسری و مادری زنان و احتمال آسیب دین زن و خانواده، مردان برای ارتقای شغلی، ارجح هستند (وجود سقف شیشه‌ای). |
| داشتن نگاه جنسیتی در مورد نوع رشته تحصیلی زنان؛ بدین معنا که زنان باید در رشته‌هایی وارد شوند که وجودشان در آنها ضروری است (مانند آموزش و بهداشت) و به‌خصوص از رفتن به رشته‌های مردانه بپرهیزند؛ زیرا هم بحث اختلاط پیش می‌آید و هم به زن و خانواده آسیب وارد می‌شود. |
| مخالفت با اشتغال زنان؛ مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که اشتغال در بیرون از خانه به نقش مادری و همسری زن آسیب وارد می‌کند |
| اعتقاد به اینکه قطعاً حجاب امری اجتماعی است، نه فردی؛ البته درصد بالای مشارکت‌کنندگان قائل به این مسئله بودند. |
| مخالفت شرکت زنان در مسابقات ورزشی بین‌المللی. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که چارچوب‌های شرعی رعایت نمی‌شود و شأن زن مسلمان زیر سؤال می‌رود. |
| مخالفت با حضور زنان در ورزشگاه‌ها. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که محیط ورزشگاه کنترل‌ناپذیر است و برای زنان فضای مناسبی نیست. برخی نیز نوع پوشش بازیکنان را برای حضور زنان، نامناسب می‌دانستند. |



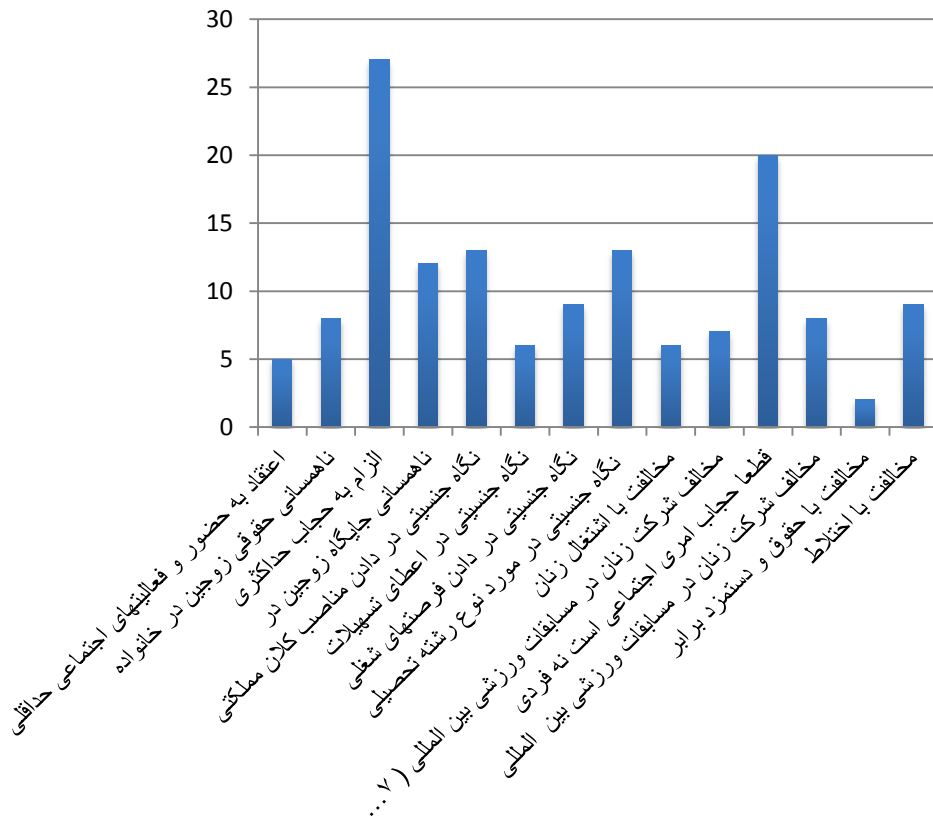
| نگرش سنتی |
|--|
| مخالفت با حقوق و دستمزد برابر. تعداد کمی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که در پرداخت حقوق باید نفقه پرداز بودن مردان را در نظر گرفت (زنان سرپرست خانواده نیز مانند مردان می‌باشند). |
| مخالفت با اختلاط؛ بدین معنا که مشارکت‌کنندگان به‌طور کلی با اختلاط، چه در محل کار و چه در محل تحصیل، مخالف بودند و آن را آسیب‌زا می‌دانستند. |

محقق پس از دسته‌بندی مقولات (سنتی و فراستنی) و استخراج فراوانی هر یک از آنها، نمودارهایی را برای بهتر نشان دادن تفاوت‌ها، و عینی‌تر و ملموس‌تر شدن آنها ترسیم کرد که در پی خواهد آمد. البته فراوانی به‌دست‌آمده تقریبی است؛ زیرا همه مصاحبه‌شوندگان در همه محورها به‌طور کامل پاسخ نداده‌اند و در موارد معدودی (در حدی نیست که آسیبی به نتیجه‌گیری وارد کند)، به دلیل گستردگی موضوعات و زمان طولانی مصاحبه‌ها، بعضی موارد در برخی مصاحبه‌ها لحاظ نشده است.

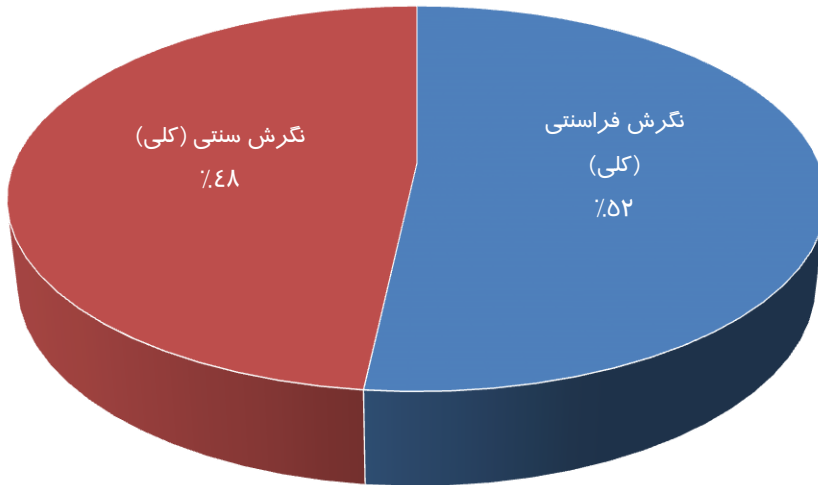
۴-۲. توسیم نمودارهایی به منظور مقایسه دو نگرش سنتی و فراستنی طلاب به شکل کلی



نمودار ۱: نمودار نگرش فراستنی طلاب (کلی)



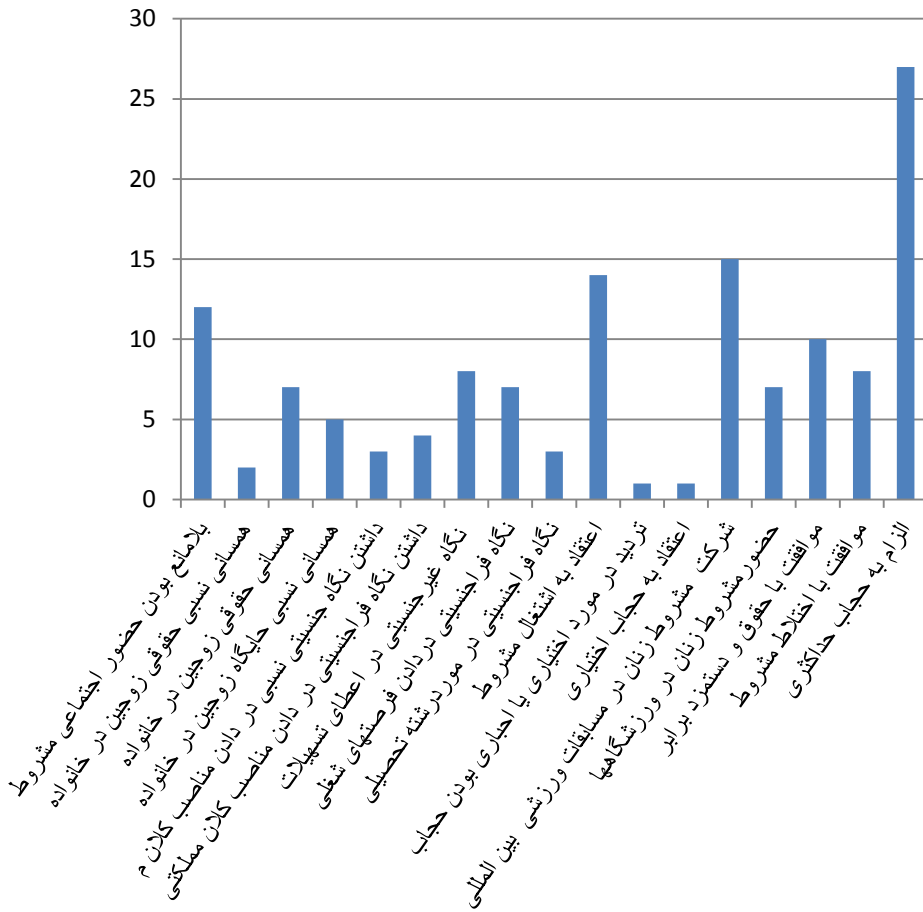
نمودار ۲: نمودار نگرش سنتی طلاب (کلی)



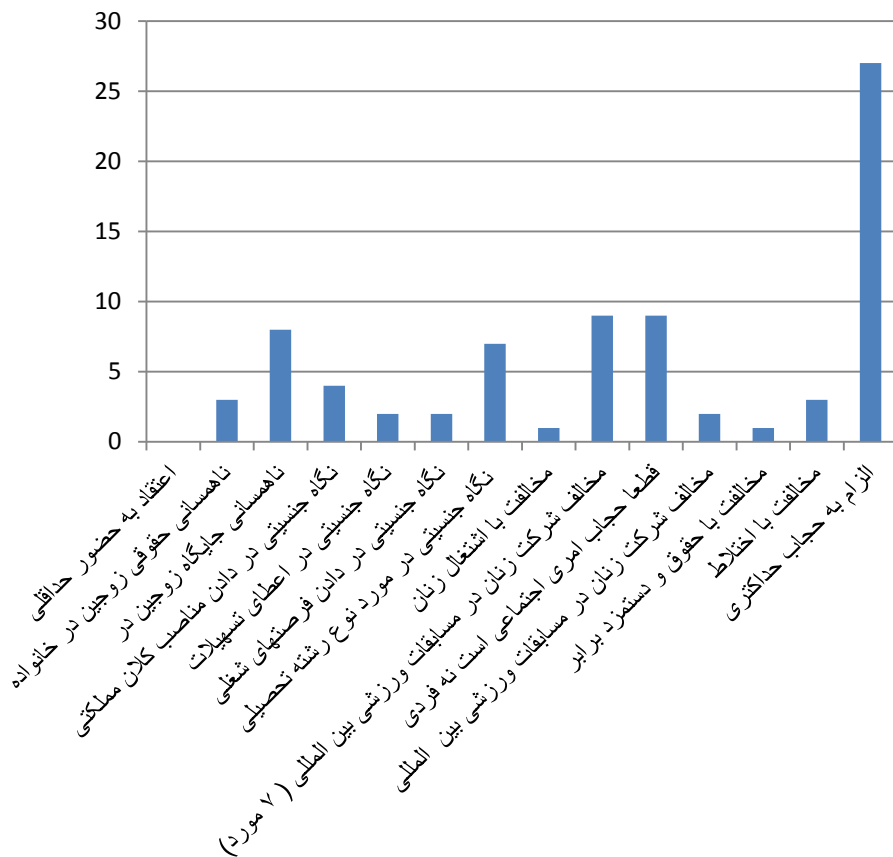
نمودار 3: مقایسه‌ی نگرش سنتی و فراسنتی طلاب (کلی)

توضیحات: با توجه به اینکه در نمودار شماره ۱ و ۲، یعنی نمودار نشان‌دهنده نگرش فراسنتی و سنتی، فراوانی شاخص‌ها با هم تفاوت دارند و این تفاوت‌ها در نمودار مقایسه‌ای شماره ۳ به وضوح مشخص است، می‌توان چنین گفت که جامعه مورد مطالعه، هرچند اندک، اما در حال گذار از سنت به فراسنت است و گام‌هایی را در این راه برداشته و تغییرات و تحولاتی در آن در حال رخ دادن است. در این قسمت، محقق به منظور به دست آوردن نتایج دقیق‌تر و جزئی‌تر، به صورت تفکیک‌شده به بررسی فراوانی‌ها می‌پردازد.

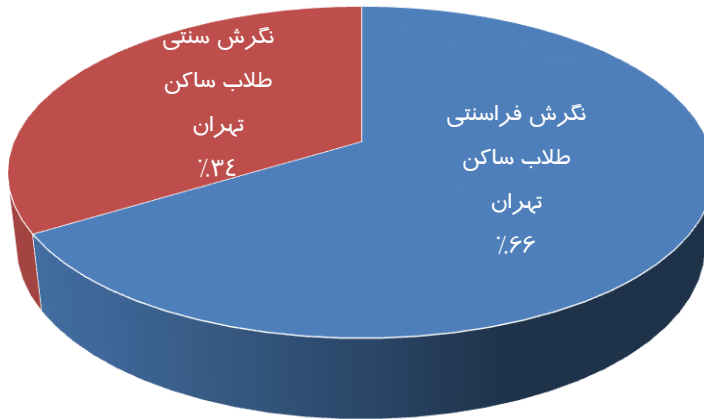
۳-۴. ترسیم نمودارهای مقایسه‌ای نگرش‌های طلاب تهران و قم (به صورت مجزا)



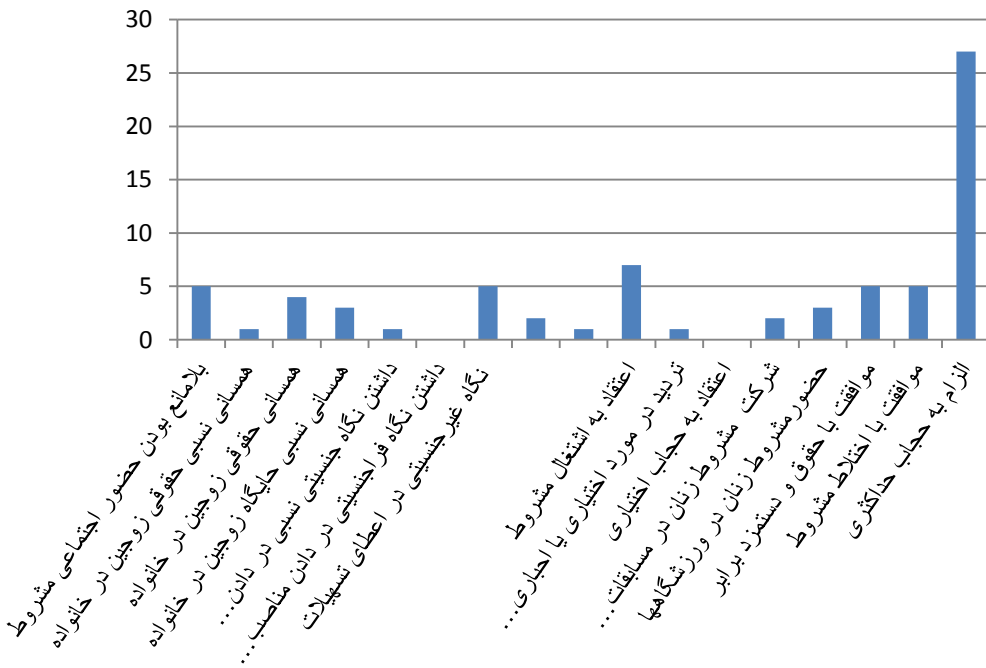
نمودار ۴: نگرش فراسننی طلاب ساکن تهران



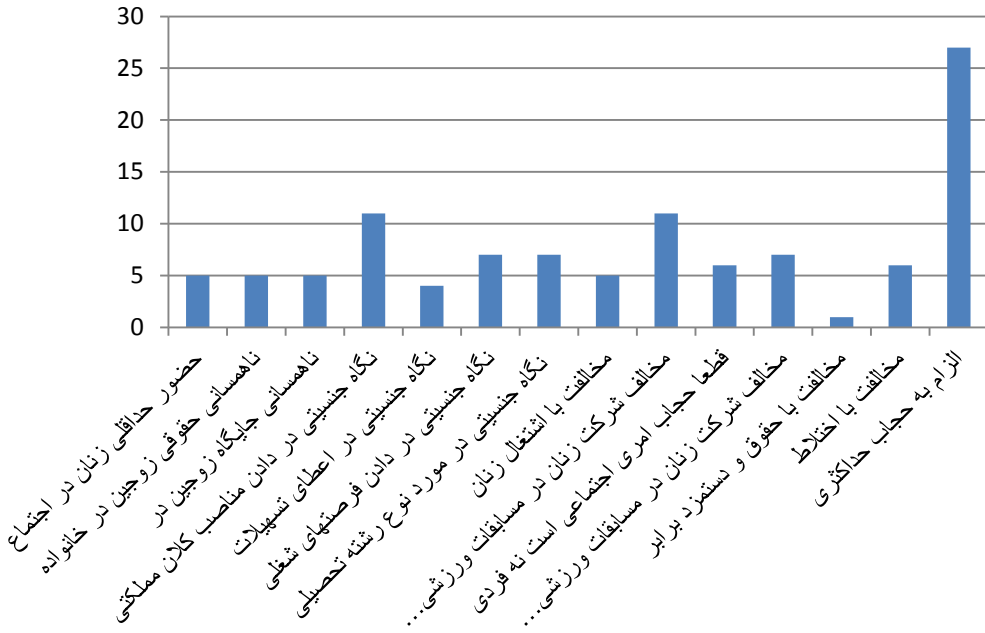
نمودار ۵: نگرش سنتی طلاب ساکن تهران



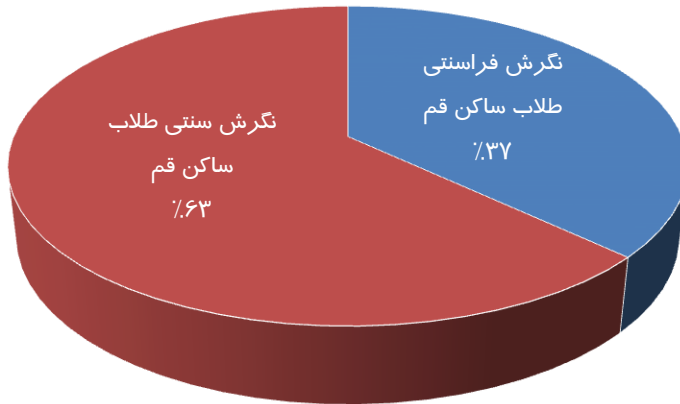
نمودار ۶: نمودار مقایسه‌های نگرش سنتی و فراستی طلاب شهر تهران



نمودار ۷: نمودار نگرش فراستی طلاب ساکن شهر قم



نمودار ۸: نمودار نگرش سنتی طلاب ساکن شهر قم



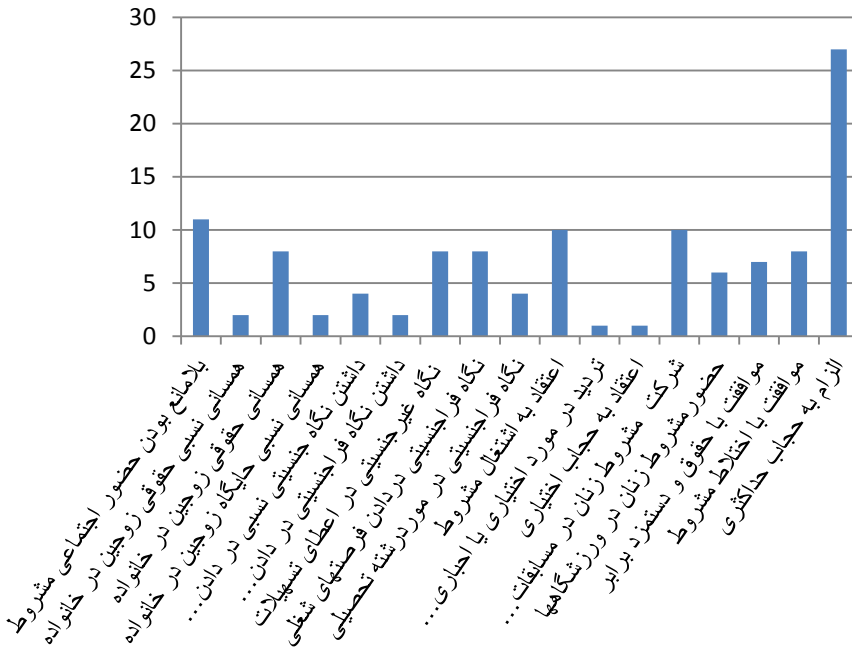
نمودار ۹: نمودار مقایسه‌های نگرش سنتی و فراسنتی طلاب ساکن شهر قم



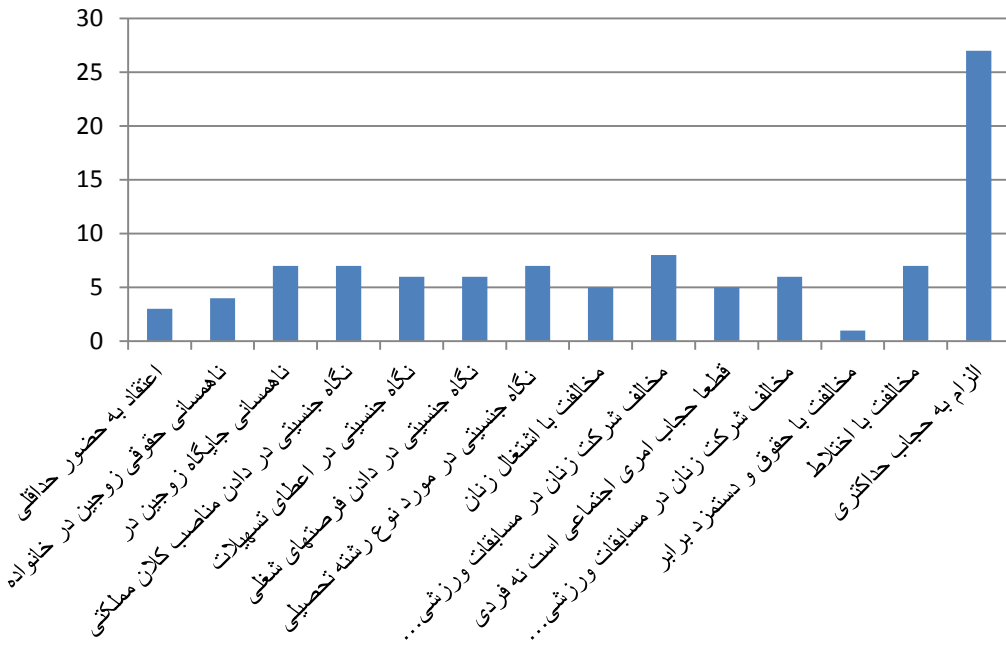
توضیحات: در نمودار ۴ و ۵ با توجه به میزان فراوانی شاخص‌های به‌دست‌آمده، مشاهده می‌شود که نمودار نگرش فراسنتی (نمودار ۴) نسبت به میزان فراوانی شاخص‌های نمودار نگرش سنتی (نمودار ۵) از افزایش چشمگیری برخوردار است و با توجه به نمودار مقایسه‌ای (نمودار ۶) که قسمت فراسنتی ۶۶ درصد و قسمت سنت ۳۴ درصد از نمودار را به خود اختصاص داده است، قسمت نگرش فراسنتی از گستردگی بیشتری برخوردار است. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که روند گذار از سنت به فراسنت در طلاب ساکن تهران روند صعودی دارد و طلاب ساکن تهران به مرحله فراسنت وارد شده‌اند و تحول در رویکرد آنان به مسائل و موضوعات زنان، به‌وضوح به چشم می‌خورد.

در نمودارهای ۷ و ۸ با توجه به میزان فراوانی شاخص‌های به‌دست‌آمده، مشاهده می‌شود که نمودار نگرش فراسنتی (نمودار ۷) نسبت به میزان فراوانی شاخص‌های نمودار نگرش سنتی (نمودار ۸) از کاهش چشمگیری برخوردار است و با توجه به نمودار مقایسه‌ای (نمودار ۹) که قسمت فراسنتی ۳۷ درصد و قسمت سنتی ۶۳ درصد از نمودار را به خود اختصاص داده‌اند، قسمت نگرش فراسنتی، گستردگی کمی دارد و قسمت نگرش سنتی گستردگی بیشتری دارد. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که روند گذار از سنت به فراسنت در طلاب ساکن قم دیده نمی‌شود و جامعه مورد نظر ساکن در شهر قم بر نگرش سنتی خود پافشاری بیشتری دارند.

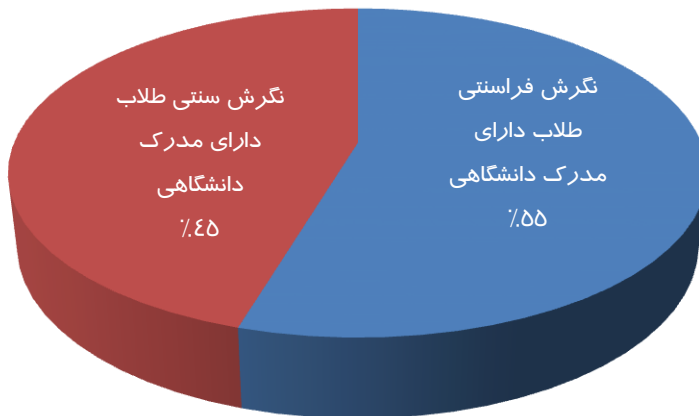
۴-۴ ترسیم نمودارهای نگرش‌های سنتی و فراسنتی طلاب دارای مدرک دانشگاهی و فاقد آن



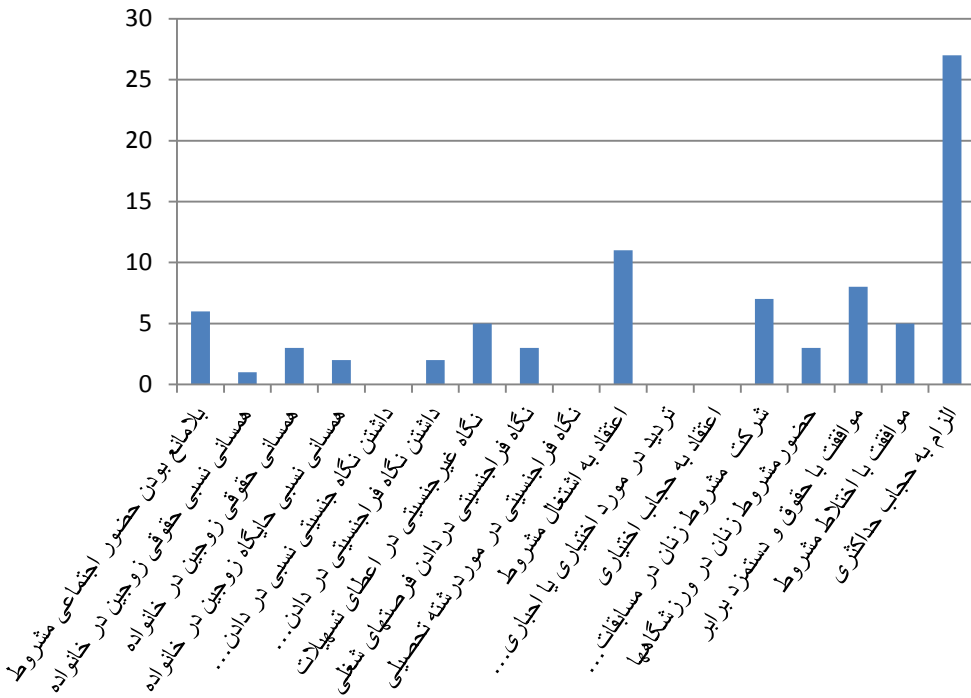
نمودار ۱۰: نمودار نگرش فراسننی طلاب دارای مدرک دانشگاهی



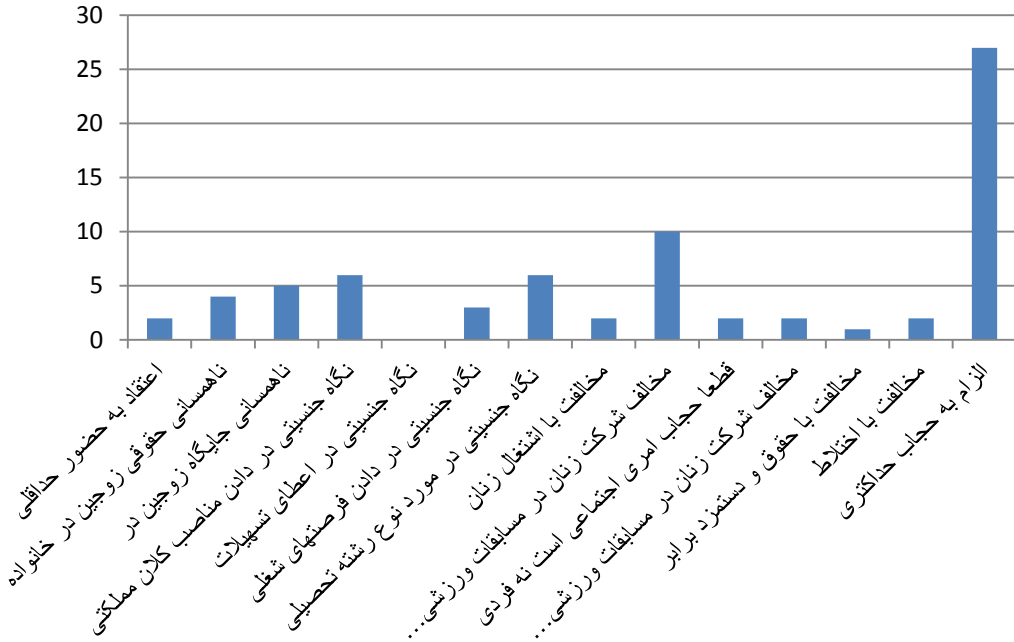
نمودار ۱۱: نمودار نگرش سنتی طلاب دارای مدرک دانشگاهی



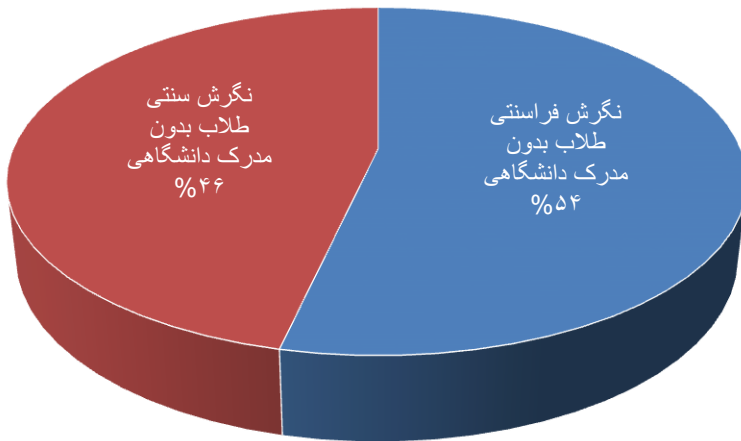
نمودار ۱۲: نمودار مقایسه‌ای نگرش سنتی و فراسنتی طلاب دارای مدرک دانشگاه



نمودار ۱۳: نمودار نگرش فراسننی طلاب بدون مدرک دانشگاهی



نمودار ۱۴: نمودار نگرش سنتی طلاب بدون مدرک دانشگاهی



نمودار ۱۵: نمودار مقایسه‌های نگرش سنتی و فراسنتی طلاب بدون مدرک دانشگاهی



توضیحات: در نمودارهای شماره ۱۰ و ۱۱ با توجه به میزان فراوانی شاخص‌های به‌دست‌آمده، و با توجه به درصد‌های نمودار مقایسه‌ای شماره ۱۲ (فراستنی ۵۵ درصد و سنتی ۴۵ درصد) که نگرش‌های فراستنی و سنتی جامعه مورد مطالعه‌ای را مقایسه کرده که مدرک دانشگاهی دارند، و با نگاهی به نمودارهای ۱۳ و ۱۴ و توجه به درصد‌های به‌دست‌آمده در نمودار مقایسه‌ای شماره ۱۵ (فراستنی ۵۴ درصد و سنتی ۴۶ درصد) که نگرش‌های فراستنی و سنتی جامعه مورد مطالعه‌ای را نشان می‌دهد که فاقد مدرک دانشگاهی هستند، به نظر می‌رسد داشتن یا نداشتن تحصیلات دانشگاهی در نوع نگرش طلاب تأثیر چندانی ندارد. نگرش فراستنی در طلاب دارای مدرک دانشگاهی ۵۵ درصد و در طلاب فاقد مدرک ۵۴ درصد است و نگرش سنتی در طلاب دارای مدرک دانشگاهی ۴۵ درصد و در طلاب فاقد مدرک ۴۶ درصد است.

به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به مقولات انتخابی استخراج‌شده و تقسیم آنها به دو گرایش فراستنی و سنتی و همچنین نمودارهای ترسیم‌شده، به نظر می‌رسد که فراوانی پاسخ‌های داده شده در قسمت فراستنی، بیشتر از پاسخ‌های سنتی است. این مسئله نشان‌دهنده این موضوع است که همان‌طور که جامعه ما در حال گذار است، جامعه حوزوی نیز از این قاعده مستثنا نیست و هرچند اندک، وارد این مرحله شده است و گذارش از سنت به فراستنت، در نمودارها مشهود است؛ اما در بررسی‌های بعدی و ترسیم نمودارهای مجزا مشخص شد با توجه به درصد‌های به‌دست‌آمده، این گذار شامل طلاب ساکن شهر تهران می‌شود و طلاب ساکن شهر قم وارد این مرحله نشده‌اند.

پس می‌توان چنین گفت که مکان زندگی، در داشتن نگرش سنتی و فراستنی طلاب مرد ساکن شهرهای تهران و قم تأثیرگذار است و زندگی در کلان‌شهر تهران و شهر قم در نوع نگرش آنها مؤثر است. داشتن مدرک دانشگاهی شاید به نظر، یکی از معیارهای مهمی است که در نگرش طلاب می‌تواند مؤثر باشد؛ اما با توجه به مقولات به‌دست‌آمده و میزان فراوانی به‌دست‌آمده از پاسخ‌های سنتی و فراستنی، مشخص شد که داشتن مدرک دانشگاهی تأثیر چندانی در نوع نگرش این گروه ندارد.

در این پژوهش، هرکدام از دهه‌های سنی ۳۰، ۴۰، ۵۰ نیز به‌طور مجزا بررسی شد که نتایج آن بدین شرح است: نگرش فراستنی در دهه ۳۰ سالگی، ۵۵ درصد؛ در دهه ۴۰ سالگی، ۵۳ درصد؛ و در دهه ۵۰ سالگی، ۵۸ درصد است و نگرش سنتی در ۳۰ سالگی، ۴۵ درصد، در دهه ۴۰ سالگی، ۴۷ درصد و در ۵۰ سالگی، ۴۲ درصد است که به نظر می‌رسد دهه سنی ۵۰ نسبت به بقیه سنین، دارای نگرش فراستنی بیشتری است؛ البته تعداد مصاحبه‌شوندگان دهه سنتی ۵۰ سال، بیشتر از شهر تهران هستند و همین موضوع، باز هم تأثیر مکان زندگی را بر نگرش آنها نشان می‌دهد.

در این پژوهش، پژوهشگر در پی یافتن پاسخ این سؤال بود که نگرش طلاب مرد سطح سه و



چهار جامعه حوزوی ساکن شهر تهران و قم، درباره جایگاه زن در جامعه در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و سیاسی چیست. وی پس از استخراج مقولات انتخابی و جمع‌بندی آنها توانست به جواب‌های منسجم و یک‌راستا دست یابد و مجبور به دسته‌بندی پاسخ‌ها به دو گرایش فراسنتی و سنتی شد.

در آخر، محقق به این نتیجه رسید که به نظر می‌رسد طلابی که در شهر تهران زندگی می‌کنند، با توجه به ویژگی‌های کلان‌شهرها و وجود خرده‌فرهنگ‌های فراوان و برخورد با جوانان مطالبه‌گر در دانشگاه‌ها، مساجد و امکان عمومی و همچنین فضاهای ارتباطی متنوع‌تر، نگرشی مبتنی بر نیازها، شرایط و مطالبات روز جامعه دارند و هرچند از اصول و چارچوب‌های دین کوتاه نمی‌آیند، از نگرشی که از سنت‌های گذشته به ارث رسیده است، فراتر رفته و پا به عرصه‌های جدیدتری گذاشته‌اند. آنها با نگرش فراسنتی خود، نگرش‌ها و رفتارهای تبعیض‌آمیز را در جامعه کمتر، و آن را به عدالت نزدیکتر می‌کنند. در پی چنین تحولاتی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و در نهایت سرمایه اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد.

همه مصاحبه‌شوندگان، نقش مادری و همسری را برای زن در اولویت می‌دانستند و معتقد بودند که خداوند زن و مرد را با ویژگی‌های خاص خودشان آفریده است؛ اما زن را صاحب اختیار و توانایی می‌دانستند که می‌تواند رشد کند و علایق و استعدادها و توانایی‌هایش را بروز دهد. مصاحبه‌شوندگان برای همه فعالیت‌های زنان، شرط رعایت حجاب، حفظ خانواده و به‌طور کلی رعایت چارچوب‌های دینی را قائل، و معتقد بودند که زنان با در نظر گرفتن حفظ خانواده و رعایت چارچوب‌های دینی می‌توانند در عرصه‌های مختلف قدم گذاشته، رشد کنند.

اما با توجه به نمودارها به نظر می‌رسد که طلاب ساکن شهر قم، به دلیل زندگی حداکثری در محیط مذهبی و حوزوی شهر قم و رویارویی و آشنایی کمتر با خرده‌فرهنگ‌های موجود در جامعه و مطالبات جوانان و زنان، و به علت نگرانی از نادیده گرفته شدن اصول شرعی و آسیب دیدن زن و خانواده، شرایط و نیازها و مطالبات جامعه را کمتر در نظر گرفته و نظریات و نگرش‌شان طبق سنت‌های قدیم و بر همان اساس شکل گرفته است و محدودیت‌های جنسیتی در نگرش‌شان مشهود است؛ در نتیجه به دنبال چنین نگرشی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و در نهایت سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش می‌یابد.



شکل ۱: مدل نظریه زمینه‌ای



۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده در قسمت یافته‌های تحقیق، می‌توان درباره این پژوهش به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۵. نبود نگرش منسجم و نظام‌مند

پیش فرض محقق در اوایل این مطالعه، این بود که می‌توان افراد را گونه‌شناسی و دسته‌بندی کرد و انتظار بر این بود که هر دسته از افراد، دارای معانی ذهنی نظام‌مند و منسجمی باشند و بتوان آنها را به راحتی با توجه به نوع نگرشی که دارند، تحلیل و بررسی کرد؛ اما در طول مطالعه با اضافه شدن هر فرد به مشارکت‌کنندگان، مشخص شد که هیچ‌گونه شاکله نظام‌مند و منظومه مشخص فکری را در رویکرد افراد به موضوع زن و جایگاه و نقش او نمی‌توان استنتاج کرد.

به معنای دیگر، افراد را از نظر شاکله و منظومه فکری نمی‌توان دسته‌بندی، و به طور دقیق مشخص کرد که چند نفر در تهران یا قم در گروه سنتی یا فراسنتی قرار می‌گیرند - البته به جز تعدادی معدود؛ و افراد به نوعی دارای یک تفکر زیگزاگی درباره زن بودند و در بعضی حوزه‌ها سنتی بودند، و در بعضی دیگر وارد مرحله فراسنتی شده بودند؛ در بعضی زمینه‌ها نیز به شدت مردد بودند و نمی‌توانستند جواب مشخص و واضحی بدهند و این شک و تردید به وضوح مشخص بود.

بنابراین به دلیل این نوع نگرش، پژوهشگر تصمیم گرفت که پاسخ‌ها را دسته‌بندی کند تا مشخص شود چه پاسخ‌ها و نظریاتی در گروه سنتی، و چه پاسخ‌هایی در گروه فراسنتی قرار می‌گیرند.

محقق تعریف خاصی برای «سنتی» و «فراسنتی» مطرح نکرده است؛ زیرا بر این باور است که دو نگرش ضد و نقیضی که در محورهای انتخابی به چشم می‌خورد، ناخواسته گویای چنین دسته‌بندی است. البته شاید بتوان در یک تعریف اجمالی در مورد پاسخ‌های سنتی و فراسنتی چنین گفت که پاسخ‌هایی که نرمش و انعطاف بیشتری دارند و محدودیت‌های جنسیتی در نگاه آنها کمتر دیده می‌شود و از طرفی راه را برای ورود زنان به عرصه‌های مختلف باز کرده‌اند - با شرط رعایت چارچوب‌ها و حفظ شأن زن و خانواده - در دسته نگرش‌های فراسنتی قرار گرفته‌اند و پاسخ‌هایی که در آنها نرمش و انعطاف کمتری به چشم می‌خورد و محدودیت‌های جنسیتی بیشتری برای زنان قائل شده‌اند و از طرفی از ترس رعایت نشدن چارچوب‌ها و آسیب وارد شدن به زن و خانواده، راه ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی را محدود می‌کنند، در دسته نگرش‌های سنتی قرار گرفته‌اند.



۲-۵. اجماع بر رعایت حدود مشخص الهی

در مصاحبه‌ها و نظریات مطرح شده، یکی از مواردی که با یقین می‌توان آن را در نتیجه‌گیری‌ها در نظر گرفت، این نکته است که تمامی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، درباره موضوعاتی که آیه صریح قرآن یا احادیث و روایات متقنی درباره آنها وجود دارد و بر آنها اجماع هست، نظر مشترک داشتند و از مواضع خود کوتاه نمی‌آمدند؛ برای مثال، درباره نوع پوشش زنان و حد رعایت حجاب، همگی معتقد به پوشش کامل زن، به جز وجه و کفین بدون زینت و آرایش بودند؛ یا اختلاط بدون رعایت چارچوب‌ها در نظر همه مشارکت‌کنندگان، آسیب‌زا و غیردینی محسوب می‌شد.

۳-۵. اختلاف در امور اجتماعی نوظهور حوزه زنان

یکی از مواردی که نگرش‌ها را به دو دسته یا دو گونه متفاوت تقسیم می‌کند، نگرش افراد درباره موضوعات جدید یا نسبتاً جدید در حوزه زنان است که آیه صریح قرآن یا احادیث و روایاتی وجود ندارد که به طور مشخص به آن موضوع پرداخته باشند؛ موضوعاتی در حوزه ورزش، فرهنگ، هنر، اشتغال و نوع آن، رشته‌های تحصیلی، تسهیلات، مناصب خرد و کلان و ...

در قرآن و روایات به شکل صریح به این موضوعات پرداخته نشده است، اما به نظر می‌رسد که برخورد مستقیم جامعه‌ی مورد مطالعه با موضوعات و نگرش‌های گوناگون و مطالبات افراد جامعه، تأثیر مستقیمی بر نوع نگرششان به این موضوعات داشته باشد و آنان را بیشتر به کاوش و جست‌وجو و چاره‌جویی وادارد. پس همان‌طور که در قسمت یافته‌ها به آن پرداخته شد، مکان زندگی افراد، تأثیر بسیار زیادی در نوع نگرش آنها دارد و این تأثیر تا بدان حد است که متغیرهای دیگری مانند داشتن مدرک دانشگاهی، اعم از لیسانس، فوق لیسانس و دکتری، و همچنین متغیر سن را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

یکی از نکات مهم در موارد اختلاف گفته‌شده، این است که نگرش‌هایی که در دسته فراسنتی قرار گرفته‌اند، راه را برای ورود زنان در بیشتر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی و ... باز می‌گذارند؛ البته شرط رعایت چارچوب‌های شرعی و حفظ خانواده را در همه موارد لحاظ می‌کنند؛ اما نگرش‌هایی که در دسته سنتی قرار گرفته‌اند، راه ورود زنان به برخی حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی و ... را می‌بندند؛ زیرا از نادیده گرفته شدن موازین اخلاقی و شرعی و آسیب دیدن زن و خانواده‌ها اهمه دارند.

۴-۵. سیاست‌های راهبردی پیشنهادی

رویکرد سیاست‌گذاری و هدف کلان راهبردی که این مطالعه نیز مبتنی بر آن دغدغه شکل گرفته است،



توسعه شناخت واقع‌بینانه درباره جامعه حوزوی و نوع نگرش آنها به موضوع زنان در حوزه‌های مختلف اجتماعی است.

جامعه حوزوی به عنوان یکی از گروه‌های مرجع در کشور، نقش و مسئولیت سنگینی بر عهده دارند که شناخت نوع نگرش آنها می‌تواند برای جامعه و به‌خصوص برای خود جامعه حوزوی، بسیار راهبردی و کاربردی باشد.

تفاوت در دیدگاه‌ها ویژگی نوع بشر است، اما این موضوع درباره افرادی که بیان‌کنندگان کلام الهی در جامعه شناخته شده‌اند و کلامشان در همه یا بخشی از جامعه، ملاک رفتار محسوب می‌شود و گاهی حتی در سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌گذاری‌ها تأثیرگذارند، امری پسندیده نیست. تفاوت و تناقض دیدگاه‌ها در جامعه حوزوی در احکام فردی، شاید به‌نوعی توجیه‌پذیر باشد، اما درباره احکام اجتماعی و به‌خصوص مواردی که شبهاتی بر آنها وارد است و جامعه به آنها حساسیت نشان می‌دهد، توجیه‌پذیر نیست و وحدت در آرا را می‌طلبد؛ زیرا تعدد و تکثر در آرا موجب سردرگمی همه جامعه یا بخشی از آن می‌شود. از همین رو، این گروه باید به این مسئله دقت کند و در پی حل آن باشد.

پژوهشگر در مصاحبه‌های خود، تخصص افراد را -اعم از فقه، اصول، کلام، قرآن و روایات و...- مد نظر قرار نداده، بلکه بودن در جامعه حوزوی را با همان مشخصاتی که پیش از این مطرح شد، در نظر گرفته است؛ زیرا معتقد است جامعه حوزوی به‌طور کلی محل رجوع مردم است و نگرش آنها فارغ از تخصصشان بر جامعه تأثیرگذار است. البته ذکر این مطلب حائز اهمیت است که مصاحبه‌شوندگان، همگی از استادان حوزه و دانشگاه، پژوهشگران، ائمه جماعت مساجد، مبلغان داخل کشور و خارج از کشور، متصدیان امور فرهنگی و دینی در نهادهای دولتی و... بودند که اکثراً از برگزیدگان جامعه حوزوی محسوب می‌شوند.

از آنجاکه نگرش هر فرد، برخاسته از مبانی فکری اوست، وجود تناقض‌ها (درون‌فردی و درون‌گروهی)، تردیدها، و بی‌پاسخ گذاشتن برخی سؤالات، گویای این احتمال است که به دلیل وجود مواردی که در ذیل می‌آید، مصاحبه‌شوندگان در مبانی فکری خود، دچار تردیدها و عدم قطعیت‌هایی هستند که پیش از این در مورد آن صحبت شد:

- ناتوانی در تطبیق واقعیات و پدیده‌های نوظهور، با آن دسته از مبانی که درباره آنها آیات و روایات صریح و متقنی وجود ندارد؛

- وجود تعدد آرا در جامعه حوزوی (تفکیکی، عرفانی-فلسفی و... البته در درجه‌بندی‌های متفاوت)؛

- اکتفا به علوم حوزوی و مراجعه نکردن به علوم دیگر؛



- فقدان نگاه منظومه‌ای در حوزه و غلبه نگاه انتزاعی در آن؛
 - فردی دیدن دین و نداشتن نگاه جامع به آن؛
 - نداشتن نگاه حداکثری به دین و داشتن نگاه حداقلی به آن؛
-و

پژوهشگر در مقام دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، فارغ از هرگونه قضاوت و نظر تخصصی فقهی، این تحقیق را انجام داده است و امید دارد که جامعه حوزوی و دست‌اندرکاران آن مجموعه، با بهره‌گیری از یافته‌های این پژوهش، به حل مشکلات پیش‌گفته بپردازند.

۵-۵. سیاست‌های کاربری پیشنهادی

- پژوهشگر، شایسته می‌داند که طلاب پس از اتمام دروسشان، به زادگاه‌های خود بازگردند و با نظریات و مطالبات مردم مناطق مختلف از نزدیک آشنا شوند؛
- وارد دانشگاه‌ها و دانشکده‌های مختلف شوند و در نشست‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی که در بسیاری از دانشگاه‌ها تشکیل می‌شود، شرکت کنند و نظریات و مطالبات جوانان را از نزدیک بشنوند؛
- وارد مدارس مختلف شهرهای بزرگ و کوچک شوند و روحیات و خواسته‌های نوجوانان امروز را بهتر بشناسند؛
- با کلان‌شهرها ارتباط بیشتری داشته باشند تا گوناگونی افراد و افکار را از نزدیک درک کنند؛
- بدون تعصب، وارد گروه‌های فکری مختلف در فضای مجازی شوند تا با دغدغه‌ها، موضوعات و مسائل فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه، بیشتر آشنا شوند.



منابع

۱. اشتراس، آنسلم، جولیت کوربین، ۱۳۹۰، اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها)، ترجمه رحمت‌الله رحمت‌پور، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. ازکیا، مصطفی و همکاران، ۱۳۹۶، روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، ج ۲، چ ۱، تهران، کیهان.
۳. ایمان، محمدتقی و همکاران، ۱۳۸۹، «کندوکاو سیستم معانی ذهنی مصرف‌کنندگان موسیقی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۳، شماره ۴، ص ۸۵ - ۱۱۲.
۴. ایمانی جاجرمی، حسین و دیگران، ۱۳۸۴، «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر عملکرد شورای اسلامی شهر در توسعه محلی»، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
۵. آبوت، پاملا، کلر والاس، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی زنان، چ ۱، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی.
۶. ساروخانی، باقر، ۱۳۸۱، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی / اصول و مبانی، چ ۱، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و علوم انسانی.
۷. صلصامی، مهوش و دیگران، ۱۳۸۲، روش‌های تحقیق کیفی، چ ۱، تهران، نشر بشری.

